



فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فرهنگ ما و لغت نامه ما

برگزیده مقالات
دانشنامه زبان و ادب فارسی

به سرپرستی اسماعیل سعادت

به کوشش سیمیه پهلوان

السلام عليكم

برگزیده مقالات
دانشنامه زبان و ادب فارسی

۸

فرهنگ لغت نامه

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران ۱۴۰۲

————— شورای علمی دانشنامه —————

عبدالمحمد آیتی (م.)، نصرالله پورجوادی، حسن حبیبی (م.)،
غلامعلی حدّادعادل، محمد خوانساری (م.)، بهمن سرکاراتی (م.)،
اسماعیل سعادت (م.)، احمد سمیعی (گیلانی) (م.)، علی اشرف صادقی،
کامران فانی، محمدعلی موحد، ابوالحسن نجفی (م.)

برگزیده مقالات
دانشنامه زبان و ادب فارسی

۸

فرهنگ لغت نامه

فرهنگ های فارسی، عربی به فارسی، فارسی به ترکی
ترکی به فارسی، کردی به فارسی، عربی به عربی
اوستا به پهلوی

به سرپرستی اسماعیل سعادت

به کوشش سمیه پهلوان

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران ۱۴۰۲

فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها: فرهنگ‌های فارسی، عربی به فارسی، فارسی به ترکی، ترکی به فارسی، کردی به فارسی، عربی به عربی، اوستا به پهلوی گزیده‌ای از مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی/نوشته مؤلفان دانشنامه؛ به سرپرستی اسماعیل سعادت؛ به کوشش سمیه پهلوان.

تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۴۰۲.

[سی‌وهشت]، ۶۱۴ص: ۱۴×۲۱س.م.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۲۳۲. برگزیده مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی؛ ۸.

978-600-8735-86-1

فیبا

فرهنگ‌های فارسی، عربی به فارسی، فارسی به ترکی، ترکی به فارسی، کردی به فارسی، عربی به عربی، اوستا به پهلوی گزیده‌ای از مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی.

فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- کتابشناسی

Persian language - - Dictionaries - - Bibliography

زبان عربی -- واژه‌نامه‌ها -- کتابشناسی

Arabic language - - Dictionaries - - Bibliography

سعادت، اسماعیل، ۱۳۰۴-۱۳۹۹.

پهلوان، سمیه، ۱۳۶۰-

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

Academy of Persian Language and Literature

ZV۰۸۵

۰۱۶

۷۳۹۴۹۸۴

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

← ————— همکاران دانشنامه ————— →

آمنه بیدگلی، معاون گروه، مؤلف (از ۱۳۸۲)؛

شهره فلاحتی، حروف‌نگار و صفحه‌آرا (۱۳۸۲-۱۴۰۱)؛

فریبا محمدپور، حروف‌نگار و صفحه‌آرا (از ۱۴۰۱)؛

هرمز بوشهری‌پور، مؤلف (۱۳۸۰-۱۳۹۶)؛ علی پیرنیا، مسئول کتابخانه (۱۳۷۶-۱۳۹۶)؛

سمیه پهلوان، مؤلف (از ۱۳۸۵)؛ سمیه ربیعی، مؤلف (از ۱۳۸۴)؛

فرحناز رحمانی، مسئول کتابخانه (از ۱۳۸۱)؛ فرزانه رشیدی، مؤلف (از ۱۳۸۴)؛

شهناز سلطان‌زاده، مؤلف (از ۱۳۷۲)؛ میترا فراهانی، مؤلف (۱۳۷۹-۱۳۹۱)؛

فرشجاع کیهانی، معاون گروه، مؤلف (۱۳۷۲-۱۳۹۱)؛ مژگان گله‌داری، مؤلف (۱۳۹۱-۱۴۰۱)

اختصارات

بدون تاریخ نشر	بی تا
بدون محلّ نشر	بی جا
جلد	ج
در حدود	ح
حکومت	حک:
سال	س
شماره ، قبل از عدد ؛ شمسی ، بعد از عدد	ش
صفحه	ص
قری	ق
قیاس کنید	قس:
قبل از میلاد	ق م
میلادی	م
نگاه کنید	نک:
همان مؤلف ، همان اثر	همان
همان مؤلف ، همان اثر ، همان صفحه	همان جا
همان مؤلف	همو

ed . | edited by ; édité par = به کوشش

tr . | translated by ; traduit par = ترجمه

vol . | volume = جلد

فهرست

نگاهی اجمالی به این مجموعه	پانزده
فرهنگ‌نویسی در ایران	۱
آصف‌اللغات	۱۱
آندراج، فرهنگ	۱۵
انجمن آرای ناصری	۲۱
بحرالجواهر	۲۷
بحر الغرائب	۳۵
بحر الفضائل فی منافع الافاضل	۴۱
بدایع اللُّغة	۴۵
برهان جامع	۵۱
برهان قاطع	۵۵
البلغة	۶۱
بهار عجم	۶۷
تاج العروس	۷۳
تاج المصادر	۷۹
تراجم الاعاجم	۸۵
چراغ هدایت	۹۹
خلاصة اللغات	۱۰۳
الدّرر فی الترجمان	۱۱۵
دستور الافاضل	۱۲۹
دستور اللُّغة	۱۳۷

۱۴۹	دقائق الحقائق
۱۵۳	ديباج الأسماء
۱۶۳	زفان گویا و جهان پویا
۱۶۹	السّامی فی الاسامی
۱۷۹	سراج اللّغة
۱۸۵	سر مه سلیمانی
۱۹۱	شرفنامه منیری
۲۰۱	صاح الفرس
۲۱۱	عجایب اللّغه
۲۱۹	غیات اللّغات
۲۲۷	فرهنگ اویم
۲۳۳	فرهنگ پهلوی
۲۴۱	فرهنگ جهانگیری
۲۶۳	فرهنگ رشیدی
۲۷۳	فرهنگ شعوری
۲۸۵	فرهنگ علی صفی
۲۹۱	فرهنگ قوّاس
۲۹۷	فرهنگ معین
۳۰۹	فرهنگ نظام
۳۲۱	فرهنگ نفیسی
۳۲۹	فرهنگ وفايي
۳۳۹	کتاب العين
۳۴۷	کشف اللّغات والاصطلاحات
۳۵۱	کنز اللّغات
۳۵۷	لسان التّنزِيل
۳۶۹	لسان العرب
۳۸۵	لغت فرس

۴۳۷	لغت نامهٔ دهخدا
۴۵۱	مجمع الفرس
۴۶۳	مدار الافاضل
۴۷۵	مصطلحات الشعراء
۴۸۱	معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقى
۴۹۹	مقدمهٔ الأدب
۵۰۷	ملخص اللغات
۵۱۷	مؤید الفضلاء
۵۳۱	منتخب اللغات شاهجهانى
۵۳۵	منتهى الأرب فى لغة العرب
۵۳۹	مهدّب الاسماء
۵۵۱	نصاب الصّبيان
۵۶۷	هفت قلزم

نمایه‌ها

۵۷۷	نامها
۵۹۵	کتابها
۶۰۹	جایها

به یاد استاد

«دانشنامه زبان و ادب فارسی» کتاب گرانسنگی است که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی با مدیریت و نظارت استاد فقید شادروان اسماعیل سعادت به انجام رسید و انتشار یافت. پس از انتشار این مجموعه تصمیم گرفته شد کتابهایی مختصرتر حاوی مقالاتی که در یک موضوع و مضمون در دانشنامه درج شده است فراهم آید تا طالبان آن مقالات بتوانند به آنچه می‌خواهند آسان‌تر و ارزان‌تر دست‌یابند.

مجموعه مقالات «فرهنگها و لغت‌نامه‌ها» سیزدهمین کتاب از این سلسله کتابهاست که زیر نظر استاد فقید اسماعیل سعادت آماده انتشار شده است. استاد گردآوری و تنظیم این مجموعه و نوشتن مقدمه‌ای برای آن را به پایان رسانده بودند که دیده‌ی دوستانشان از دیدارشان محروم ماند. این مختصر برای یادآوری حق آن دانشی‌مرد و ارج نهادن به زحمات ایشان به قلم آمد. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

غلامعلی حدّادعادل

۱۴۰۲/۲/۵

نگاهی اجمالی به این مجموعه

مجموعه فرهنگها علاوه بر مقاله «فرهنگ‌نویسی در ایران»، شامل پنجاه‌ویک مقاله در معرفّی فرهنگهای فارسی به فارسی، عربی به فارسی، فارسی به عربی، فارسی به ترکی، ترکی به فارسی، کردی به فارسی و دو مقاله درباره فرهنگهای عربی به عربی است و دو مقاله هم در معرفّی فرهنگ پهلوی و فرهنگ واژه‌های اوستا به پهلوی. بیشترین این مقالات یکی درباره فرهنگهای فارسی به فارسی (شامل بیست‌و‌نُه مقاله) و دیگری درباره فرهنگهای عربی به فارسی (شامل ده مقاله) است. نزدیک به نیمی از فرهنگهای فارسی به فارسی در هند چاپ شده است.

در مقاله کلی «فرهنگ‌نویسی در ایران» که مجموعه با آن آغاز می‌شود آمده است که قدیم‌ترین فرهنگی که نام آن به ما رسیده است، امّا امروز در دست نیست، فرهنگ کوچکی بوده است از قطران تبریزی، شاعر قرن پنجم ق، شامل سیصد واژه دشواری که ظاهراً در دیوان منجیک و دیوان دقیقی آمده بوده و قطران شرح و توضیح آنها را از ناصر خسرو خواسته بوده است. امّا اکنون شاهی در دست است که نشان می‌دهد که قبل از قطران فرهنگ لغتی فارسی به فارسی، به قلم ابو عبدالله قوّاس، از شعرا و دانشمندان اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم ق و به احتمال قوی قبل از لغت فرس اسدی تألیف شده بوده است. صاحب فرهنگ جهانگیری این کتاب را در دست داشته و از آن با عنوان «فرهنگ استاد عبدالله نیشابوری» نام برده است. مؤلف مقاله، سپس از سومین، چهارمین و پنجمین فرهنگی

که در ایران نوشته شده است نام می‌برد: سومین فرهنگ را لغت فرس اسدی و چهارمین فرهنگ را فرهنگی به نام سخن‌نامه نظامی می‌داند که به نام خواجه نظام‌الملک نوشته شده بوده و امروز از بین رفته است؛ پنجمین فرهنگ را مجموعه الفرس جاروتی معرفی می‌کند و بر آن است که این فرهنگ قبل از سال ۷۲۸ق، یعنی سال تألیف صحاح الفرس نخجوانی، و بی‌گمان در آذربایجان تألیف شده بوده است.

معرفی فرهنگها در این مجموعه به ترتیب حروف الفبا صورت گرفته است. اگر بخواهیم نخست از فرهنگهای فارسی به فارسی سخن بگوییم، نخستین آنها آصف اللغات است، فرهنگی فارسی به فارسی و اردو، تألیف شمس‌العلمای خان نایطی جنگ (۱۲۷۷-۱۳۴۳ق) است که، در هفده مجلد، هر یک بالغ در ششصد صفحه به نام نظام‌الدوله نظام‌الملک آصف‌جاه تدوین شده ولی ناتمام مانده است. مؤلف شرح واژه‌های فارسی به فارسی و معادل‌های آنها را در فرهنگها نقل کرده و سپس ترجمه و کاربرد هر یک را در زبان اردو با ذکر شواهد از زبان‌دانان هندی نشان داده است.

در پی آن فرهنگ فارسی به فارسی دیگری به نام آنسندراج، تألیف محمدپادشاه، معرفی شده که در اواخر قرن نوزدهم م در هندوستان فراهم آمده است. مؤلف آن، علاوه بر آوردن واژه‌های فارسی و عربی، از ضبط لغات ترکی و هندی و سنسکریت و رومی و یونانی رایج در زبان فارسی غفلت نکرده است. فرهنگ دیگر از این نوع انجمن‌آرای ناصری، اثر رضاقلی خان هدایت، است که تألیف آن به نام ناصرالدین شاه قاجار آغاز شده و در حدود ۱۲۸۸ق به پایان رسیده است. این فرهنگ بیشترین استفاده را از فرهنگ جهانگیری کرده است و به همین جهت آن را تنظیم جدیدی از این فرهنگ دانسته‌اند. فرهنگ فارسی به فارسی بعد بحرالفضائل فی منافع الافاضل است، تألیف افضل‌الدین بدر خزانه‌ای بکری بلخی از فاضلان قرن هشتم ق، شامل یک مقدمه و دو بخش؛ بخش اول، به گفته مؤلف آن، لغات و اصطلاحات «اهل فضل» را دربر دارد، و

بخش دوم از جمله شامل اسامی ماهها و روزهای عرب و روم و فارس و هند و اسامی سیارات و ثوابت و شهرهای مشهور، بادها و بیابانها، گلها و ریاحین و اسامی بعضی حکمای یونانی و سریانی است.

دو فرهنگ فارسی به فارسی بعد، یکی برهان جامع است و دیگری برهان قاطع. برهان جامع تألیف مهدی قلی تبریزی، معروف به «ملاباشی» از ادبای آذربایجان در قرن سیزدهم ق است. مؤلف آن دو فرهنگ برهان قاطع و فرهنگ جهانگیری را، با آنکه بر آنها خرده گرفته، مبنای کار خود ساخته و سعی کرده است که فرهنگی جامع محسّنات و خالی از عیوب آنها فراهم آورد. و اما برهان قاطع، تألیف خلف تبریزی، در سال ۱۰۶۲ ق، چنانکه مؤلف در دیباچه آن ذکر کرده، خواسته است جمیع لغات فارسی، پهلوی، دری، یونانی، سریانی، رومی و بعضی از لغات عربی و لغات زند و پازند و لغات مشترک و لغات غریبه و اصطلاحات فارسی و استعارات و کنایات به عربی آمیخته را به طریق ایجاز در یک فرهنگ گردآورد. در آن متجاوز از بیست هزار لغت آمده است. در سال ۱۳۳۵ ش، محمد معین طبعی انتقادی از آن، همراه با مقدمه‌ای جامع و حواشی و تعلیقات بسیار در چهار مجلد، و در سال ۱۳۴۳ ش در پنج مجلد، منتشر کرد.

بهار عجم تألیف تیک چند دهلوی، متخلص به «بهار»، ادیب هندی قرن دوازدهم ق، که از مهم‌ترین ویژگیهای آن شواهد آن است که از حیث کثرت و دقت انتخاب درخور توجه است، و چراغ هدایت، که شامل لغاتی است که شاعران پس از جامی در آثار خود به کار برده‌اند و به سبب ضبط اصطلاحات نظامی و اداری دوران بابر نیز اهمیت دارد، و دستورالافاضل تألیف حاجب خیرات، معروف به رفیع دهلوی، که در سال ۷۴۳ ق تألیف شده، فهرستی از تعدادی لغات فارسی و عربی بدون شاهد است و بخشی از آنها از فرهنگ قواس گرفته شده و بقیه ظاهراً مستخرج از متون است، از دیگر فرهنگهای فارسی به فارسی‌اند. دستورالافاضل، علاوه بر لغات، شامل مقداری نامهای اشخاص و جانوران خاص و جاینامها نیز هست، و

مأخذ بعضی از فرهنگهای بعد، مانند بحر الفصائل، مؤید الفضلاء، مدار الافاضل و فرهنگ جهانگیری بوده است.

زفان گویا و جهان پویا، سراج اللّغة، سرمه سلیمانی، شرفنامه منیری، صحاح الفرس و غیاث اللّغات نیز، که، به ترتیب الفبایی، در این مجموعه در پی یکدیگر آمده‌اند، همه فرهنگهای فارسی به فارسی‌اند. زفان گویا و جهان پویا، مشهور به «هفت بخشی»، ظاهراً پیش از ۸۳۷ ق تألیف شده است و شامل لغات بسیط و مرکب پهلوی و دری (در دو بخش)، مصادر، لغات عربی، لغات آمیخته از عربی، ترکی و عجمی، لغات رومی و یونانی و لغات ترکی است که شمار آنها بالغ بر بیش از پنج هزار است؛ سراج اللّغة، تألیف سراج الدّین علی خان آرزو (۱۰۹۹-۱۱۶۲ ق)، فرهنگ انتقادی لغات و استعارات زبان فارسی است، و مطمح نظر آن بیشتر تصحیح و تنقیح تصحیفات و تسامحات فرهنگ نویسان پیشین بوده است، و اگرچه مدار آن بر واژه‌های فارسی است، مؤلف الفاظی از گویندگان هندی را هم که در اشعار فارسی آنها به کار رفته مدخل کرده است. تعداد مدخلهای آن را بالغ بر چهل هزار ماده ذکر کرده‌اند.

سرمه سلیمانی، تألیف اوحدی بلیانی (۹۷۳-۱۰۴۲ ق) فرهنگی بدون شاهد است و فقط به ذکر معنی و مترادفات هر کلمه بسنده می‌کند؛ لغات آن، علاوه بر فارسی، شامل شماری از کلمات عربی، هندی، ترکی، یونانی و اندکی لغات مجعول دساتیری نیز هست که احتمالاً مؤلف آنها را هم فارسی تصوّر کرده است. شرفنامه منیری، یا «فرهنگ ابراهیمی»، اثر ابراهیم قوام، که در سال ۸۷۸ ق تألیف شده است، مشتمل بر ۳۱ باب است و هر باب دارای چند فصل است. باب حرف اوّل کلمات و فصل حرف آخر آنهاست. مؤلف در آغاز هر باب قصیده‌ای از خود آورده که قافیۀ آن جرف اوّل مدخلهای همان باب است. موادّ آن اساساً لغات و ترکیبات و بعضی اعلام فارسی است، ولی، در اکثر فصلها، پس از پایان یافتن کلمات فارسی، یک فصل کوتاه از لغات ترکی هم آمده است. تعداد مدخلهای آن را بعضی

در حدود هشت هزار و بعضی در حدود ده هزار نوشته‌اند. صحاح الفرس، اثر محمد بن هندوشاه، در سال ۷۲۸ ق در تبریز تألیف شده است. قصد مؤلف این بوده که لغاتی را که اسدی طوسی در لغت فرس، براساس حرف آخر آنها، مرتب کرده بوده است بر اساس حرف اول آنها نیز مرتب کند تا یافتن آنها آسان باشد. او ترتیب لغات بر اساس حرف آخر را باب و ترتیب آنها بر اساس حرف را فصل نام داده است. تفاوت فرهنگ او با فرهنگ اسدی یکی در این است که او، علاوه بر شعرای متقدم، از شعرای متأخر نیز شاهد آورده، و دیگر این که او برای لغاتی که از اسدی گرفته گاهی معنی‌هایی آورده که اسدی از آنها غفلت کرده است. از اطلاعات منحصر به فرهنگ او واژه‌های گویشی آن است که ذیل بعضی مدخلها آمده است. بعضی از آنها مربوط به آذربایجان و آران است که موطن او بوده و بعضی دیگر از جمله مربوط به خوزستان و عراق است که او ظاهراً مدتی در آنها زندگی کرده است. غیاث اللغات اثر غیاث‌الدین رامپوری است که در سال ۱۲۴۲ ق نوشته شده است. او با استفاده از مآخذ بسیار، دست به تألیف این فرهنگ زده است، مآخذی مانند فرهنگهای فارسی، فرهنگهای عربی به عربی و عربی به فارسی، متون نظم و نثر ایرانی و هندی، تفاسیر قرآن، کتب قواعد زبان فارسی و کتابهای علم هیئت و رسائل عروض و موسیقی و نجوم و تواریخ و تذکرها که نام آنها را ذکر نکرده است. این کتاب، روی هم رفته، از فرهنگهای سنتی خوب و مفید زبان فارسی است.

از دیگر فرهنگهای فارسی به فارسی که همه تحت عنوان «فرهنگ» آمده‌اند، به ترتیب حروف الفبا، عبارت‌اند از: فرهنگ جهانگیری، فرهنگ رشیدی، فرهنگ قواس، فرهنگ معین، فرهنگ نظام، فرهنگ نفیسی، فرهنگ وفایی. نخستین آنها فرهنگ جهانگیری تألیف میرجمال‌الدین انجو شیرازی است، که در جوانی به دربار اکبرشاه بابری در دکن راه یافت و مدت سی سال به تدوین آن پرداخت، و چون اکبرشاه در سال ۱۰۱۴ ق درگذشت، انجو کتاب خود را، پس از اتمام (۱۰۱۷ ق)، به نام جهانگیر، پسر

او، فرهنگ جهانگیری نامید. متن این فرهنگ، پس از مقدمه‌ای در دوازده «آیین» آغاز می‌شود، ترتیب مدخلهای آن منحصر به فرد است، به این معنی که مؤلف نخست همه کلمات را به ترتیب الفبایی حرف دوم آنها دسته‌بندی کرده و هر دسته را یک «باب» نامیده و بعد کلمات هر باب را به ترتیب الفبایی حرف اول آنها دسته‌بندی کرده و هر دسته را یک «فصل» نام داده است و سپس حروف بعد از حرف دوم هر کلمه را، مانند فرهنگهای معمولی، به ترتیب حروف الفبا مرتب کرده است. مثلاً کلمات «ژاله» و «خاور» هر دو را در باب «الف»، ولی اولی را در فصل «ژ» و دومی را در فصل «خ» آورده است. او در تهیّه فرهنگ خود از پنجاه‌وسه فرهنگ استفاده کرده، ولی به‌ندرت مأخذ خود را به دست داده است. از مطالعه این فرهنگ می‌توان دریافت که مؤلف بر زبانهای عربی و فارسی تسلط کامل داشته، زبان ترکی نیز می‌دانسته، و جابه‌جا در پایان مدخلها معادل‌های ترکی کلمات را به دست داده است. همچنین در موارد متعدّد معادل‌های هندی کلمات را هم آورده، و چون، با بعضی گویشهای ایرانی، به‌ویژه گویشهای شیرازی، قزوینی و گیلانی نیز آشنا بوده گاهی واژه‌های این گویشها را ذکر کرده است. هرچند این فرهنگ در هند نوشته شده، ولی به‌سبب آنکه بیشتر منابع آن غیرهندی است، باید آن را در ردیف فرهنگهای تألیف شده در ایران به‌شمار آورد.

فرهنگ رشیدی اثر عبدالرشید تتوی است که در سال ۱۰۶۴ ق تألیف شده است. این فرهنگ، به گفته مؤلف، مبتنی بر فرهنگ جهانگیری و مجمع‌الفرس یا فرهنگ سروری است. ولی با رجوع به متن آن می‌توان دریافت که مؤلف در مورد بعضی از مدخلها با مراجعه به منابع لغوی و تاریخی و جغرافیایی و جز آنها، در مورد لغات تحقیق بیشتری کرده و اطلاعات تازه‌ای در مورد مدخلهای خود به دست داده و اشعاری به شاهد آورده است که در این دو فرهنگ نیست. مهم‌ترین منابعی که تتوی از آنها استفاده کرده است از جمله عبارت‌اند از: فرهنگهای فارسی مقدّم بر خود،

مانند ادات الفضلاء، صحاح الفرس، تحفة الاحباب، فرهنگ وفایی، مؤید الفضلاء، شرفنامه منیری، فرهنگ سامانی، فرهنگهای یک زبانه عربی، مانند قاموس فیروزآبادی و فرهنگهای دو زبانه مانند السامی فی الاسامی. تعاریف کتاب غالباً کوتاه است و تنها در مواردی که به نقد فرهنگ جهانگیری می‌پردازد تعریفهای آن طولانی‌تر از معمول است. مؤلف در ترتیب لغات فقط حروف اوّل و دوم را رعایت می‌کند، و حرف اوّل را «باب» و حرف دوم را «فصل» می‌نامد. تلفظ مدخلها را با مفتوح و مکسور و مضموم و ساکن بودن آنها نشان می‌دهد. رعایت نکردن ترتیب الفبایی کامل مدخلها، آوردن مدخلهای بی‌شاهد، به نقل از فرهنگهای مقدم بر خود، آوردن معانی نادرست منقول از آنها، به سبب عدم تسلط آنها بر زبان فارسی، از ایرادهایی است که می‌توان بر این فرهنگ وارد کرد.

فرهنگ قوّاس، تألیف فخرالدّین مبارکشاه غزنوی، معروف به فخر قوّاس (اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم ق)، از شاعران وابسته به دربار علاءالدّین خلجی، به پنج «بخش» و هر بخش به چند «گونه» و هر گونه به چند «بهره» تقسیم شده است. بسیاری از مدخلهای آن و تعاریف آنها از لغت فرس اسدی طوسی گرفته شده است. با این همه، او بسیاری از شواهد خود را از شعرای بعد از اسدی و عمدتاً از نظامی، خاقانی، سوزنی سمرقندی و سنایی نقل کرده است. ولی بسیاری از مدخلها شاهد ندارند، در حالی که گاهی برای بعضی از مدخلها دو یا سه شاهد نقل شده است، اما نام سراینده تعداد قابل توجهی از شواهد از قلم افتاده است. این فرهنگ در حدود ۱۰۵۰ مدخل دارد.

فرهنگ معین، تألیف محمد معین (متوفی ۱۳۵۰ ش)، لغت‌شناس بزرگ معاصر، که برای تدوین آن به مدت بیست سال، بیش از ۳۰۰,۰۰۰ فیش از متون نظم و نثر فارسی فراهم آورد و در شش جلد (شامل لغت، ترکیبات خارجی و اعلام)، بین سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ ش، انتشار یافت. جلد اوّل شامل مقدمه‌ای در ۱۰۶ صفحه در معرفی زبانها و گویشهای متعددی مانند

مادی، فارسی باستان، اوستایی، پارتی، مانوی، فارسی میانه یا پهلوی، سغدی، ختنی و خوارزمی است، که پیش از ظهور فارسی امروزی هر یک در گوشه‌ای از ایران زمین رواج داشته است. به علاوه، در این مقدمه، به معرفی فرهنگهای فارسی موجودی که از قرن پنجم به بعد در ایران و هندوستان تدوین شده، از لغت فرس و صحاح الفرس گرفته تا فرهنگ ناظم الاطباء و لغت‌نامه دهخدا (در ایران) و از فرهنگ قواس و بحرالفضائل گرفته تا فرهنگ آندراج و فرهنگ نظام (در هندوستان) پرداخته شده است. این فرهنگ، علاوه بر کلمات و اصطلاحات فارسی و عربی شامل تعداد بسیاری لغات ترکی، مغولی، هندی و واژه‌هایی از زبانهای اروپایی نیز هست. یکی از امتیازات آن نشان دادن اصل و ریشه کلمات به وجهی علمی و مستند است، کاری که در لغت‌نامه‌های قدیم یا سابقه نداشته یا به ریشه‌شناسیهای عامیانه منحصر می‌شده است. امتیاز دیگر آن تعیین هویت دستوری هر کلمه (اسم، فعل، عدد، ضمیر، حرف اضافه و غیره) و ذکر حروف اضافه‌ای است که با هر مصدر به کار می‌رود. این فرهنگ بی‌گمان نقطه عطفی در تاریخ فرهنگ‌نویسی ایران است و تاکنون (۱۳۹۷ش) بیش از بیست بار تجدید چاپ شده است.

فرهنگ نظام تألیف محمدعلی داعی‌الاسلام (۱۲۵۵-۱۳۳۰ش)، استاد فارسی کالج حیدرآباد دکن، که به سفارش سلطنت اسلامی دکن (هند)، نوشته شده است. مؤلف در مقدمه خود اطلاعاتی را که برای واژه‌ها به دست داده چنین ذکر کرده است: اصل واژه‌ها از چه زبانی است، ذکر تلفظ واژه، معنی واژه، گفتاری بودن واژه یا تعلق آن به نظم و نثر، شواهد واژه، ذکر بُنهای مضارع و ماضی و صیغه امر و اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مصدر افعال، طرز ساختن مصدر مرکب از واژه، ذکر مثل یا مثلثایی که واژه در آنها به کار رفته است و ذکر معنی مجازی واژه در صورت وجود داشتن آن. شواهد واژه‌ها اساساً از فرهنگهای قبلی گرفته شده است. مؤلف در ذیل بعضی مدخلها آورده است که معنی آنها را از کدام منبع گرفته است. این

فرهنگ مشتمل بر پنج جلد است، و هر جلد، به جز جلد دوم، یک مقدمه دارد که بعضی از آنها بسیار مفصل است.

فرهنگ نفیسی یا «فرنودسار» اثر علی اکبر نفیسی، ناظم الاطباء (۱۲۶۳-۱۳۴۲ق) فرهنگی فارسی به فارسی و عربی به فارسی است که مؤلف چون آن را طی بیست و پنج سال، در نیمه دوم عمر خود، تألیف کرده، در زمان حیات خود موفق به چاپ آن نشده و کار چاپ آن را فرزند دانشمند او سعید نفیسی برعهده داشته است. کتاب دارای یک مقدمه تقریظ مانند از محمدعلی فروغی و یک مقدمه مفصل از سعید نفیسی است. در مقدمه فروغی آمده است که منابع مؤلف فرهنگهای مجمع الفرس، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ رشیدی، برهان قاطع و برهان جامع و انجمن آرای ناصری و همچنین فرهنگهای دوزبانه‌ای بوده است که اروپاییان برای زبان فارسی تهیه کرده‌اند. برای واژه‌های عربی مأخذ مؤلف بیشتر قاموس فیروزآبادی و صحاح اللغة و منتهی الأرب و غیاث اللغات بوده است. تعریف مدخلها در اغلب موارد با مترادف است. نسخه اصل کتاب شامل چهار مجلد بزرگ به قطع رحلی در ۳۳۱۷ صفحه، است که به استثنای ۱۸۳ صفحه، که به خط کاتب است، بقیه به خط خود مؤلف است.

فرهنگ وفایی، اثر حسین وفایی، هشتمین فرهنگ فارسی است که در ایران تألیف شده است. مؤلف خود نامی به آن نداده و فقط، در مقدمه خود، آن را «رساله‌ای در تصحیح لغات فرس» معرفی کرده است. در نگاه اول به نظر می‌آید که این فرهنگ صرفاً جامع لغات صحاح الفرس و معیار جمالی و اندکی لغات دیگر است، ولی در حقیقت چنین نیست، زیرا علاوه بر لغات بسیاری که در آن آمده است، و در این دو فرهنگ نیست، شامل بسیاری مدخلهای تازه با شواهدی از شاعران قرون پنجم و ششم و هفتم، نیز هست. پیداست که وفایی منابع دیگری در دست داشته که از آنها نام نبرده است. گاهی تعریفهای او بهتر از تعریفهای صحاح است. از فواید این فرهنگ نقل تعداد بسیاری لغات گویشی، به‌ویژه از گویش شیراز ذیل بعضی

از مدخلهاست که ظاهراً مؤید شیرازی بودن مؤلف است صادق کیا لغات گویشی این فرهنگ را استخراج و در کتابی چاپ کرده است.

از دیگر فرهنگهای فارسی به فارسی این مجموعه باید نام ببریم از کشف اللغات والاصطلاحات، لغت فرس، لغت نامه دهخدا که نخستین فرهنگ جامع دایرةالمعارف گونه است، مجمع الفرس، مدارالافاضل، معیار جمالی و هفت قلزم که در هند تألیف شده است. کشف اللغات والاصطلاحات در بیان واژه‌ها و اصطلاحات صوفیه، تألیف عبدالرحیم سورپهاری، افغانی تباری ساکن استان بهار هند است. تألیف آن را می‌توان در حدود میانه قرن دهم ق دانست. کشف اللغات مشتمل بر بیست و یک هزار مدخل در بیست و هشت باب است که هر باب به فصلهایی تقسیم شده است. این کتاب از شرفنامه منیری، مؤید الفضلاء و دستورالافاضل، برای واژه‌های فارسی، و از کنز اللغات، تاج اللغة و صحاح العربیة و تاج المصادر، برای واژه‌های عربی، به عنوان منبع استفاده کرده، و خود منبع شماری از فرهنگهای بعد از خود، مانند فرهنگ جهانگیری و لطائف اللغات، بوده است.

لغت فرس اسدی طوسی (شاعر قرن پنجم ق)، نخستین فرهنگ فارسی به فارسی موجود زبان فارسی است. محققان، به سبب اختلاف بسیار نسخه‌های این کتاب با یکدیگر، در صحت انتساب آن به اسدی تردید کرده‌اند، این تردید تا به دست آمدن نسخه‌ای متعلق به دانشگاه پنجاب باقی بود، با به دست آمدن این نسخه، که با مقدمه‌ای از یکی از شاگردان اسدی آغاز می‌شود، معلوم شد که اسدی فرهنگ خود را به صورت پیش‌نویسهایی به تفاریق فراهم می‌آورده و بعد آنها را به شاگردان خود می‌سپرده است تا شواهدی برای مدخلهای آن تهیه کنند. تعداد نسبتاً اندک شواهد نسخه‌ای که در نسخه سفینه تبریز آمده، و به نظر می‌آید که مطابق با نسخه خود اسدی یا نزدیک به آن باشد، مؤید این معنی است که نسخه اسدی نیز کم شاهد بوده است. نسخه‌های دیگر برای مدخلهایی که در

نسخه تبریز شاهد ندارد دارای یک یا دو شاهدند. گاه شواهد یک لغت در دو نسخه از دو شاعر متفاوت است، و این نشان می‌دهد که این نسخه‌ها را افراد مختلف تکمیل کرده‌اند. سال تألیف کتاب را بعضی در حدود نیمه قرن پنجم ق و بعضی دیگر پس از اتمام گرشاسب‌نامه (۴۵۱ق) اسدی دانسته‌اند. به نظر نویسنده مقاله، این کتاب به احتمال قوی در سنین پیری شاعر و چند سالی بعد از سرودن گرشاسب‌نامه تألیف شده است. لغت فرس از نظر روش فرهنگ‌نویسی فرهنگی بسیار ابتدایی است، اما از نظر دربرداشتن مقداری لغات شاذ و متروک زبان فارسی اثری گرانبه‌است. نویسنده مقاله، در پایان آن، نسخه‌های این فرهنگ را، که تا این زمان سیزده نسخه و یک خلاصه است، به تفصیل معرفی کرده است.

لغت‌نامه دهخدا نخستین فرهنگ دایرةالمعارف‌گونه فارسی است که دهخدا کار تألیف آن را پس از پایان جنگ جهانی اول (۱۲۹۷ش) / ۱۹۱۸م) آغاز کرد. او نخست محفوظات خود را از لغت، همراه با شواهدی که از بر داشت، گرد آورد، و بعد به خواندن کتابهای نظم و نثر پرداخت و شواهد و امثال آنها را استخراج کرد، و این کار را، شبانه‌روز، بیش از بیست و یک سال ادامه داد، تا اینکه، به یاری تقی‌زاده، وزیر دارایی وقت، برای چاپ آن بودجه‌ای از درآمدهای دولت تصویب شد. اما به سبب مخالفت نخست‌وزیر وقت، کار چاپ آن معوق ماند. در سال ۱۳۱۴ش، به موجب قراردادی بین دهخدا و وزارت معارف، مقرر شد که لغت‌نامه در نه مجلد هفتصد صفحه‌ای طی پنج سال به چاپ برسد. ولی، پس از چندی، با آغاز جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸ش) کار چاپ لغت‌نامه متوقف ماند، تا اینکه چند سال بعد، مجلس شورای ملی، با تصویب قانونی، تأمین هزینه چاپ آن را خود برعهده گرفت و کار چاپ آن، با همکاری غلامحسین صدیقی، خان‌بابا بیانی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین و عبدالحمید اعظم زنگنه، از نو آغاز شد. دهخدا تا سه ماه مانده به پایان عمر به تدوین لغت‌نامه مشغول بود و سرانجام در اسفندماه ۱۳۳۴ش درگذشت. تا آن زمان ۲۲

جلد از جلدهای پنجاه‌گانه لغت‌نامه منتشر شده بود. پس از وفات دهخدا، بر طبق وصیت او، نظارت علمی لغت‌نامه بر عهده محمد معین گذاشته شد. دو سال بعد، در سال ۱۳۳۶ش، با تصویب مجلس شورای ملی، سازمان لغت‌نامه با بودجه آن به دانشگاه تهران منتقل شد. در حدود هجده سال، اصحاب لغت‌نامه در دانشکده ادبیات تهران مستقر بودند. با درگذشت معین (۱۳۵۰ش)، اداره سازمان لغت‌نامه را سیدجعفر شهیدی بر عهده گرفت. انتشار نخستین دوره لغت‌نامه، در پنجاه مجلد به قطع رحلی، در حدود چهل سال به طول انجامید، پس از آن، دوبار، در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۷۷ش، در پانزده جلد و یک جلد مقدمه، همراه با اصلاحات و تغییراتی، تجدید چاپ شد.

مجمع‌الفرس، تألیف محمد قاسم کاشانی، متخلص به «سُروری»، از فرهنگهای مستند و معتبر فارسی است که شامل ۱۰۰۴۳ مدخل، که در حدود ده تا دوازده هزار شاهد از ۳۱۰ شاعر برای آنها نقل شده است. ترتیب لغات بر اساس تقسیم‌بندی به «باب» و «فصل» است، به این معنی که حرف اول کلمات «باب» و حرف آخر آنها «فصل» قرار داده شده است، چنان‌که کلمه «آیا» آخرین مدخل باب الف و کلمه «اندراب» اولین کلمه باب باء است. تلفظ کلمات به دو صورت نشان داده شده است، یکی با ذکر کلمه مشهوری هم وزن مدخل و دیگری با ذکر مفتوح و مضموم و مکسور و ساکن بودن حروف مدخل. تعریفهای کتاب کوتاه، روشن و غالباً با ذکر مترادفهای مدخل‌اند. بعضی مدخلها هم با متضاد خود تعریف شده‌اند، مانند «نو» که به صورت «ضد کهنه» معنی شده است، گاهی نیز با ذکر «معروف است» تعریف شده‌اند.

مدارالافاضل تألیف الله داد فیضی سرهندی است که در ۱۰۰۱ق تألیف شده است. مؤلف لغات بسیط و مرکب و ترکیبات را به ترتیب الفبایی به دنبال هم آورده است، مثلاً مدخل «آب» را با ترکیبات آن (مثلاً «آب آتش‌رنگ»). گاهی نام بعضی از کتابها یا بعضی جمله‌های عربی و فارسی را مدخل کرده است. به علاوه تصحیفات و اغلاط بسیاری در مدخلها دیده

می‌شود که پاره‌ای از آنها از فرهنگهای قدیم به این فرهنگ راه یافته است. تلفظ کلمات ناآشنا با مفتوح و مکسور و مضموم و ساکن و مشدد بودن حروف آنها نشان داده شده است. تعریف مدخلها چند نوع است: تعریف با شرح معنی مدخل؛ تعریف با مترادف کلمه؛ تعریف با معادل کلمه در زبانهای عربی یا هندی؛ ندادن تعریف با ذکر کلمه «معروف»، در مورد کلمات آشنا و متداول. مدارالافاضل به زبان اردو نیز ترجمه شده است. نسخه‌ای از آن در سه مجلد در «ایندیا آفیس» در لندن با تاریخ کتابت ۱۱۸۷ق (مجلد اول) و ۱۱۸۸ق (مجلدهای دوم و سوم) موجود است.

مصطلحات الشعراء تألیف سیالکوتی مل وارسسته (متوفی ۱۱۸۰ق) شاعر پارسی‌گوی هند است. این فرهنگ در حدود دوهزار واژه و عبارت را شامل است که مرتب به ترتیب الفبایی است. در ترتیب آنها ابتدا حرف اول و سپس حرف دوم و گاهی حرف سوم کلمه ملاک گرفته شده است. علاوه بر عبارات فعلی کنایی، مانند «به دل گرفتن» و «ناخنک زدن» بعضی کلمات فارسی، عربی و ترکی نیز در این کتاب آمده است. مقایسه این فرهنگ با فرهنگهای معاصر خود گواه بر وسعت دانش مؤلف و دقت او در تعریف‌نگاری است. اکثر شواهد این فرهنگ ابیاتی متعلق به شاعران ایرانی سبک هندی، مانند صائب تبریزی و کلیم کاشانی است، نه شاعران هندی این سبک. مؤلف در میان فرهنگها بیش از همه به فرهنگ رشیدی توجه داشته است، سبب آن این است که او نیز، مانند صاحب این فرهنگ، دیدی انتقادی نسبت به فرهنگهای دیگر داشته است.

کتاب معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی، تألیف شمس‌الدین محمد فخری اصفهانی، مشتمل بر چهار بخش (عروض و قافیه و بدیع و لغت) است که بخش چهارم آن هفتمین فرهنگ فارسی تألیف شده در ایران را تشکیل می‌دهد. ترتیب کلمات در این کتاب مانند ترتیب کتاب اسدی طوسی، یعنی براساس حرف آخر لغات است که مؤلف آنها را «باب» نامیده است. تعداد مدخلهای این کتاب در حدود ۱۳۶۰ است و مأخذ اصلی آن

لغت فرس اسدی طوسی است. با این همه، لغات بسیاری در فرهنگ اسدی آمده است که در معیار نیست. در مقابل، معیار گاهی نسبت به لغت فرس توضیحات و نکات بیشتری در تعریفها گنجانده است، از جمله اضافاتی است که برای کامل تر شدن تعریف آورده، و همچنین معادلهای گویشی (کرمانی، اصفهانی و عراقی) و ترکی‌ای که برای بعضی کلمات به دست داده است.

هفت قلزم تألیف ابوالمظفر غازی الدین حیدر (متوفی ۱۲۴۳ق)، پادشاه آوَد (ایالتی در هند)، چنان که از نام آن پیداست به هفت «قلزم» تقسیم شده است. شش قلزم اوّل شامل واحدهای واژگانی، اعمّ از کلمات و اصطلاحات و قلزم هفتم مشتمل بر توصیف حروف الفبا، انواع شعر و صنایع ادبی و عروض و معانی و بیان است. مؤلف، علاوه بر واژه‌ها و ترکیبات و اصطلاحات فارسی، گاه واژه‌های ترکی، هندی، عربی، یونانی و سریانی را هم، که در فارسی رایج بوده‌اند، مدخل کرده است، مانند واژه «سوفی» که به یونانی به معنی «حکیم» است. همچنین اعلام جغرافیایی و نام اشخاص و گیاهان را هم در فرهنگ خود مدخل کرده است، مانند «ملکشاه» که در معنی آن گفته است: «نام پدر سلطان سنجر است که پادشاه خراسان بود». او به طور کلی از منابع خود نام نبرده، ولی گاه ضمن تعریف بعضی مدخلها به منابع و فرهنگهای پیش از خود اشاره کرده است.

فرهنگهای عربی به فارسی در این مجموعه عبارت‌اند از البلغة، تاج المصادر، دستور اللّغة، السّامی فی الاسامی، کنز اللّغات، لسان التّنزیل، مقدّمه الادب، منتهی الأرب، نصاب الصّبیان. تاج المصادر فرهنگی است مشتمل بر مصادر عربی و برابره‌ای آنها به فارسی، تألیف ابوجعفر بیهقی (ح ۴۷۰-۵۴۴ق). این کتاب به دو بخش تقسیم شده، مصادر ثلاثی مجرّد و مصادر غیر ثلاثی مجرّد. موادّ اصلی آن از دو منبع مقدّس قرآن و احادیث و افعال کثیر الاستعمال گرفته شده است. البلغة قدیم‌ترین فرهنگ عربی به فارسی، در چهل باب، تألیف قاری کردی نیشابوری (متوفی ۴۷۴ق) است. بعضی لغات عربی که در فارسی متداول بوده ترجمه نشده و فقط در مقابل

آنها کلمه «معروف» آمده است؛ دستوراللغة یا الخلاص، تألیف ادیب نظری، از دانشمندان قرن پنجم ق، به مناسبت تعداد حروف عربی، به بیست و هشت کتاب و هر کتاب به دوازده باب تقسیم شده است. فایده بزرگ این فرهنگ احتوای آن بر مقدار زیادی واژه‌های فارسی است که یا در جای دیگر نیامده یا به ندرت به کار رفته‌اند؛ بسیاری از این کلمات متعلق به زادگاه مؤلف، یعنی نظز و مناطق پیرامون آن است؛ السامی فی الاسامی، تألیف ابوالفضل میدانی (متوفی ۵۱۸ ق)، مشتمل بر اسماء و صفات متداول عربی و برابرهای فارسی آنهاست. این فرهنگ به چهار «قسم» (شرعیات، حیوانات، علویات و سفلیات) و هر قسم به چند «باب» و هر باب به چند «فصل» تقسیم شده است و بر روی هم مشتمل بر ۴۳ باب و ۲۵۶ فصل است. شمار قابل توجهی از واژه‌های فارسی شاذ و نادر در این کتاب دیده می‌شود که در بیشتر فرهنگهای معتبر و مشهور نیامده است، و اگر آمده شاهد ندارد. معانی و معادل‌های آن خراسانی یا به‌طور کلی فارسی دری رایج در داخل ایران است. این فرهنگ در نوع خود از بهترین و معتبرترین فرهنگهای عربی به فارسی است؛ کنز اللغات اثر عبدالخالق گیلانی، از علمای لغت قرن نهم ق به بیست و هشت «کتاب» (برحسب حروف الفبا) و هر کتاب به چند «باب» تقسیم شده است. ترتیب لغات بدین‌گونه است که حرف اوّل و آخر مبنا گرفته شده است: «کتاب الف کتابی است که هر لغتی در او مکتوب شود اوّل و آخر آن الف باشد». مؤلف تلفظ کلمه را با اعراب‌گذاری آن، یا با آوردن کلمه‌ای هم وزن آن، یا ذکر اعراب بعضی از حروف آن کلمه نشان داده است؛ لسان‌التنزیل، مشتمل بر کلمات و بعضی ترکیبات و جملات قرآن کریم و صورتهای ماضی و مضارع افعال و مصادر آنها، فرهنگی است عربی به فارسی که نه از مؤلف آن نشانی در دست است و نه از تاریخ تألیف آن. از خصایص لغوی و صرفی و نحوی آن چنین برمی‌آید که احتمالاً در قرن چهارم یا پنجم ق تألیف شده است. این کتاب گنجینه‌ای از واژه‌های فارسی سره است که بسیاری از آنها ظاهراً

ریشه در گویش و لهجه محلی مؤلف دارند؛ مقدمه/الادب از قدیم ترین فرهنگهای دوزبانه عربی به فارسی، تألیف محمود زمخشری (متوفی ۵۳۸ ق)، از گنجینه های پرارزش برای لغت شناسان و ادیبان فارسی و عربی است. زمخشری با دقت تمام کلمات فارسی سره را در برابر کلمات عربی برگزیده است؛ از این رو، بسیاری از لغات کهنه و کمیاب فارسی را می توان در آن یافت. بعضی نسخه های کهن این کتاب ترجمه ترکی کلمات را هم بیش و کم دربر دارند، در بعضی از آنها، علاوه بر فارسی و ترکی، ترجمه خوارزمی آنها هم افزوده شده است. بعدها ترجمه هایی به جغتایی و مغولی نیز از آن صورت گرفت. از این رو، این فرهنگ، از جهت اشتغال بر لغات نادر لهجه های ترکی میانه در ماوراءالنهر و اطراف آن نیز گنجینه ای گرانبهاست؛ منتهی الأرب فی لغة العرب اثر دانشمند هندی، میرزا عبدالرحیم صفی پور در سال ۱۲۵۲ ق تألیف یافته است. مؤلف فرهنگ خود را به بیست و هشت «کتاب» (برحسب حروف الفبای عربی) تقسیم کرده و واژه های آن را براساس حروف اول و دوم آنها ترتیب داده است. به علاوه، ریشه هر واژه را جدا از هم (مثلاً ب ر ق) آورده و حرف اول آن را «باب» و حرف دوم آن را «فصل» نامیده است. این کتاب، گرچه می بایست تنها به ترجمه فارسی کلمات عربی بپردازد، اما چون اطلاعاتی درباره چگونگی کاربرد واژه های عربی را هم به دست می دهد و همه شواهد آن به عربی و بدون ترجمه فارسی است، کار مراجعه به آن برای فارسی زبانان دشوار است. به علاوه، چون اساس کار آن ترجمه ای فارسی از قاموس اللغة بوده، نمی توان آن را فرهنگی جامع برای زبان فارسی دانست؛ نصاب الصبیان فرهنگ کوچک منظومی، در ترجمه شماری از کلمات عربی به فارسی سروده ابونصر فراهی است. این کتاب از اواسط قرن هفتم تا اوایل قرن چهاردهم ق یکی از کتابهای درسی رایج برای آموزش زبان عربی در مکتب خانه های ایران و هندوستان و آسیای صغیر بوده است. تعداد ابیات آن در قدیم ترین نسخه ها دویست بیت بوده، که به صورت قطعاتی کوتاه و بلند، در نه بحر، سروده

شده است. در آغاز قطعات دوییتی‌هایی آمده که نام بحری که قطعه به آن سروده شده، همراه با تقطیع آن، در آنها گنجانده شده است. ولی این دوییتی‌ها، که مشتمل بر تغزلاتی لطیف است، از ابونصر فراهی نیست و الحاقی است. این کتاب شامل ۳۷ قطعه، ۲۰۰ بیت و ۱۲۲۲ واژه عربی است. علاوه بر بیت‌های الحاقی، قطعات و ابیات بسیاری به همان شیوه ابونصر فراهی به نصاب او افزوده شده است، تا آنجا که نصاب چاپ برلین دارای ۵۲۲ بیت است؛ در مقابل این فرهنگ‌های عربی به فارسی، فرهنگی داریم به نام منتخب اللغات شاهجهانی که فارسی به عربی است. این فرهنگ اثر عبدالرشید تنوی، شاعر پارسی‌گوی شبه قاره هند، در قرن یازدهم ق است، که در سال ۱۰۲۶ ق تألیف شده، ولی نخستین بار در ۱۲۲۳ ق/۱۸۰۸ م به کوشش مولوی الله داد، همراه با مقدمه‌ای به انگلیسی در کلکته به چاپ رسیده است.

از فرهنگ‌های فارسی به ترکی سه فرهنگ به نامهای بحر الغرائب، دقائق الحقائق و فرهنگ شعوری در این مجموعه معرفی شده است: بحر الغرائب اثر لطف الله حلیمی (متوفی ۹۲۲ ق) است که آن را، در ۸۷۲ ق یا اندکی پیش از آن، به شیوه نصاب الصّیّان سروده است و به همین سبب آن را «نصاب حلیمی» هم خوانده‌اند. این کتاب نزدیک به ۲۲۰۰ بیت دارد که در ضمن آن برخی ابیات ترکی و عربی نیز آمده است؛ دقائق الحقائق، اثر ابن کمال پاشا، از فقها و مورّخان نامدار عثمانی، در قرن دهم ق است، که فرهنگ مرکبات فارسی و ترجمه آنها به ترکی است؛ فرهنگ شعوری تألیف حسن بن عبدالله حلبی (متوفی ۱۰۵۰ ق)، معروف به حسن شعوری، است که آن را «لسان العجم» نیز نامیده است. در این کتاب لغات مجعول بسیاری نیز آمده است که در زبان فارسی وجود ندارند و به گفته دهخدا تمامی شواهد لغات این کتاب یا فاقد معنی‌اند یا وزن و قافیه آنها معیوب است. او احتمال داده است که علت این امر اقامت برخی تجّار ایرانی در

استانبول آن زمان بوده باشد که این لغات مجعول را به او داده و برای بعضی از آنها اشعاری نیز ساخته‌اند. اخیراً برای بعضی از این لغات شواهدی در متون یافته شده است.

دو لغت‌نامه، یکی ترکی به فارسی و دیگری کردی به فارسی نیز به نام *بدایع اللغه* در این مجموعه آمده است: ۱. لغت‌نامه ترکی به فارسی تألیف ایمانی هروی است که در قرن نهم ق نوشته شده است، مؤلف به دستور یکی از بزرگان دربار سلطان حسین بایقرا (حک: ۸۷۳-۹۱۱ ق)، واژه‌های مغولی و جغتایی آثار امیرعلیشیر نوایی را، به ترتیب حروف الفبای ترکی، شرح داده است، از این رو، منبع مهمی برای تحقیق درباره آثار اوست؛ ۲. لغت‌نامه کردی به فارسی، اثر میرزا علی اکبر وقایع‌نگار، در سال ۱۲۸۶ ق، به فرمان میرزا معتمدالدوله (عموی ناصرالدین شاه) در هنگام حکومت فرهاد میرزا بر کردستان تألیف شده است. مؤلف بنای کتاب خود را بر زبان کردی گونه سنندج نهاده و، گاه پاره‌ای از واژه‌های نواحی دیگر کردستان را هم به آن راه داده است.

یک لغت‌نامه عربی به عربی، اثر محمد مرتضی زبیدی (۱۱۴۵-۱۲۰۵ ق)، به نام *تاج العروس* هم که شرحی است بر لغت‌نامه قاموس فیروزآبادی به این مجموعه افزوده شده است. اتمام این لغت‌نامه چهارده سال به طول انجامید و مؤلف آن در حدود پانصد منبع را از مد نظر گذرانید. *تاج العروس* نزدیک به چهل هزار ریشه کلمات بیش از *لسان العرب* دارد و تقریباً صدویست هزار ریشه کلمه را شامل می‌شود. ادوارد ویلیام لین (۱۸۰۱-۱۸۷۶ م) این کتاب را به انگلیسی ترجمه کرده و *مدالقاموس* نام نهاده است. ترجمه‌ای ترکی نیز از آن در دست است.

و بالاخره با اشاره به دو فرهنگ دیگر، که از کهن‌ترین فرهنگهای ایرانی و متعلق به قبل از اسلام‌اند، یکی فرهنگ *اویم* که فرهنگ واژه‌های *اوستا* به پهلوی است و تألیف آن احتمالاً به زمانی در حدود اواخر دوره

ساسانی بازمی‌گردد، و دیگری فرهنگ پهلوی که فرهنگ کوچکی است که آن هم مربوط به دوره ساسانی است، معرفی این مجموعه را به پایان می‌بریم. هرچند می‌توان دریافت که مؤلف فرهنگ اویم متن نسبتاً کامل‌تری از اوستا را در اختیار داشته است، با این همه، به نظر می‌آید که این فرهنگ در شکل فعلی آن کاملاً به انجام نرسیده است. در مورد فرهنگ پهلوی هم باید بگوییم که مدخلهای آن را هزوارشها و واژه‌های پهلوی تشکیل می‌دهد. این فرهنگ حاوی صد و سیزده هزوارش و در حدود هزار و پانصد واژه پهلوی است، که احتمالاً متن اصلی آن، بدون الحاقات بیش از هزار واژه نبوده است.

اسماعیل سعادت

بعدالتحریر: مجموعه حاضر در زمان حیات مرحوم استاد اسماعیل سعادت آماده انتشار شد و به دلیل اهمّیت مجموعه، مقدّمه به قلم خود ایشان تألیف شد، ولی به دلیل بروز برخی مشکلات، انتشار آن با تأخیر مواجه شد. اکنون پس از گذشت دو سال و رفع موانع، فرهنگستان مجدداً به انتشار این مجموعه مبادرت ورزیده است. با توجه به آماده‌سازی «ذیل دوم» دانشنامه و افزوده شدن مدخلهای جدید، گروه بر آن شد که این مجموعه را به‌روزرسانی کند. بنابراین هشت مدخل به این مجموعه افزوده شد و شمار مقالات این مجموعه به شصت عنوان رسید. از آنجا که استاد سعادت در مقدّمه، به معرفی مختصر کتابهای مجموعه پرداخته است، ناگزیر مقدّمه با مطالبی افزون بر مطالب ایشان تکمیل می‌شود.

تراجم/الاعاجم فرهنگ کهن عربی به فارسی در ترجمه لغات و ترکیبات و عبارات قرآن، دیگر فرهنگ این مجموعه به قلم احمد بن محمد غزنوی در نیمه دوم سده ششم تألیف شده است. این فرهنگ مشتمل بر مقدّمه‌ای بسیار کوتاه به زبان عربی و متن فرهنگ است. هر کلمه یک بار معنی شده

است. هرچند، گاه به‌ویژه در مواردی که معنای گوناگون داشته تکرار شده است. با توجه به شباهت مقدّمه تراجم/الاعاجم با لسان‌التنزیل برخی به اقتباس این دو کتاب از یکدیگر اذعان دارند. تراجم/الاعاجم در حدود چهار هزار لغت را شامل می‌شود و دربردارنده واژه‌های مفرد و مرکّب و عبارات قرآنی است. چگونگی تلفظ هر کلمه با حرکت‌گذاری نشان داده شده است. زبان تراجم/الاعاجم ساده است و تغییرات آوایی و ساختی و لغات شاذ و گویشی در آن کمتر دیده می‌شود.

دیگر فرهنگ این مجموعه خلاصه‌اللغات، فرهنگ عربی به فارسی و فارسی به فارسی، تألیف محمد مؤمن جنابذی، از دانشوران و فاضلان قرن دهم است. این کتاب در دو بخش تدوین شده است: بخش اوّل لغات عربی به فارسی و بخش دوم لغات فارسی به فارسی. بخش اوّل مشتمل بر مصادر اسمهای عربی و برابره‌ای فارسی آنهاست. این فرهنگ بر اساس حرف نخست در بیست‌وهشت باب تنظیم شده است و هرکدام از بیست‌وهشت باب خود بر اساس حرف آخر واژه‌ها به بیست‌وهشت بخش تقسیم شده است. در بخش دوم نیز مداخل به ترتیب حروف اوّل و آخر تنظیم شده‌اند. تلفظ واژه‌ها با حرکت‌گذاری مشخص شده است. مؤلف در تألیف این کتاب از فرهنگهایی نظیر دستوراللغة، مهذب‌الاسماء، المصادر و تاج‌المصادر تأثیر پذیرفته است.

کتاب‌العین فرهنگ لغت زبان عربی، منسوب به خلیل‌بن احمد فراهیدی است. واژه‌ها در کتاب‌العین بر مبنای مخارج اصوات، به ترتیب از حلق تا کام و دندان و لب، تدوین یافته است. بنابراین، ترتیب حروف عبارت است از: ع - ح - ه - خ - غ - ق - ک - ج - ش - ض - ص - س - ز - ط - د - ت - ظ - ذ - ث - ر - ل - ن - ف - ب - م - و - ی - ا - ء. ساختار کتاب بدین‌گونه است که مؤلف، بر اساس حروف الفبا، بخشهای مختلف این فرهنگ را تدوین کرده و هر بخش را «کتاب» نامیده است و چون با حرف

«عین» آغاز کرده است، کلّ فرهنگ نیز به کتاب العین موسوم شده است. برخی معتقدند ترتیب کلمات بر اساس مخرج صوتی آنها، در این کتاب از ویژگی‌های زبان سنسکریت اقتباس شده است که ترتیب حروف آن بر مبنای چنین نظامی بوده است و بر اثر فتوحات اسلامی و ارتباط مسلمانان با هندیها، خلیل بن احمد با نظام صوتی آنها آشنا شده است. خلیل بن احمد واژه‌های عربی را به انواع دو حرفی، سه حرفی صحیح، سه حرفی معتل، لفیف، چهارحرفی و پنج حرفی تقسیم می‌کند. سپس، بر مبنای محاسبه‌ای دقیق، هریک از حروف الفبا را به ترتیب با ۲۸ حرف دیگر که یک حرف کمتر از مجموع حروف الفباست ترکیب می‌کند. در نتیجه، هر حرف با ۲۷ حرف دیگر ترکیب می‌شود و ۲۷ لفظ دو حرفی به دست می‌آید و سپس حرف دوم به همین شیوه با ۲۶ حرف ترکیب می‌شود. کلماتی که بدین ترتیب به دست می‌آیند دو گونه‌اند: «مُهمَل» که مؤلف با آنها کاری ندارد و «مستعمل» که آنها را در فرهنگ خود آورده است. یکی از ویژگی‌های کتاب العین معادله‌های فارسی برخی واژگان عربی یا اشاره به دخیل یا معرّب بودن برخی واژه‌هایی است که اصل آنها فارسی بوده است.

عَجَائِبُ اللَّغَةِ از فرهنگهای نادر شناخته شده فارسی به فارسی در منطقه آسیای صغیر اثر نویسنده‌ای به نام ادیبی در قرن دهم ق است. ادیبی، چنانکه در مقدمه اشاره کرده است، پس از مطالعه دواوین شعرای متقدّم بر آن شده است که به جهت توضیح بعضی الفاظ و عبارات فرس قدیم تألیفی سازد و نسخه‌ای پردازد، چنانکه هر لغتی را بر معنی آن از شعرای آن زمان بیتی به استشهاد آورد. او برای تعدادی از لغات که شاهدهی پیدا نکرده، به ذکر معنی آن لغت بسنده کرده است. متن اصلی فرهنگ شامل ۱۷۴۰ مدخل است (۱۶۹۰ مدخل اصلی و ۵۰ مدخل دیگر به صورت مترادف و معطوف). مداخل کتاب به ترتیب الفبایی حرف آخر کلمات تنظیم شده‌اند. لغات مختوم به ح، ض، ظ، ع، ق در این فرهنگ نیامده‌اند و سه حرف از

حروف مختصّ فارسی یعنی پ، چ، گ ضمن حروف مشابه یعنی ب، ج، ک آمده‌اند. شواهد شعری کتاب از شصت و پنج شاعر نقل شده که بیشتر آنها از فردوسی است. اغلب اشعار از شاعران دوره نخست شعر فارسی مانند رودکی، عنصری، فرّخی، ابوشکور، دقیقی، اسدی، منجیک، کسائی، عسجدی، لبیبی و خسروانی است؛ زیرا منبع اصلی مؤلف نسخه‌ای از لغت فرس بوده است؛ اما از شاعران قرون بعدی نیز شواهدی نقل کرده است.

ملخص اللغات فرهنگ دیگری است عربی به فارسی تألیف حسن خطیب کرمانی. این فرهنگ در حدود قرن دهم تألیف شده و شامل حدود چهار هزار و هشتصد لغت عربی به همراه معادل و شرح فارسی آن لغات است. در این فرهنگ ۳۶۰ مصدر ثلاثی مجرد و مزید و ۴۴۰ اسم مدخل شده است. خطیب این فرهنگ را برای فرزند یکی از صاحب‌منصبان منطقه کرمان فراهم آورده است. معیار او در انتخاب لغتها بسامد بیشتر و ضبط اقرب و اسهل بوده و روش تنظیم مداخل نیز بر اساس «حروف تهجی» یعنی به ترتیب حروف الفبا بوده است. با اینکه فرهنگ جنبه تخصصی ندارد نمی‌توان از وجود لغات چشمگیر در خصوص زنان و ویژگیهای ظاهری و جسمی و اجتماعی آنان در این فرهنگ چشم پوشید. مهذب الأسماء از مهمترین منابع خطیب در تألیف این اثر بوده است.

الدّر فی التّرجمان فرهنگ دیگری است عربی به فارسی در ترجمه لغات و برخی ترکیبات عبارات قرآن تألیف جمال‌الدین محمد بن منصور متحمّد مروزی. تاریخ تألیف کتاب دقیقاً معلوم نیست و تاریخ کتابت تنها نسخه منحصر به فرد آن مورّخ ۹۷۸ ق است. مؤلف کتاب را برای فرزند خردسالش نوشته است. مصحّح با توجه به خصوصیات زبان و واژگان و ترکیبات و تعبیرات کهن، آن را متعلّق به قرنهای پنجم و ششم دانسته است. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه کوتاه و متن فرهنگ است. متن با سوره فاتحه آغاز می‌شود اما پس از آن به عکس ترتیب قرآن از سوره «ناس»

به «بقره» می‌رسد. در این کتاب به جز مواردی اندک، مدخلها بخشی از آیه است. مؤلف در ترجمه لغات، به جنبه‌های صرفی آنها نیز توجه داشته است و گاه ترجمه تفسیری کلمات را آورده است.

فرهنگ علی‌صفی دیگر فرهنگ این مجموعه، لغت‌نامه‌ای است فارسی به عربی تألیف علی‌بن حسین واعظ کاشفی مشهور به صفی که در ۸۹۷ق تألیف شده است. مؤلف سبب تألیف این فرهنگ را حل مشکل فارسی‌زبانان برای یافتن معادل عربی کلمات فارسی ذکر کرده است. این کتاب لغت‌نامه‌ای فارسی به عربی و عربی به فارسی است. شیوه تنظیم لغات فارسی و معادل عربی بی‌سابقه است. کلمات حرکت‌گذاری نشده است. این فرهنگ شامل دو بخش مجزا یعنی اسماء و افعال و هر بخش شامل بیست و سه باب و هر باب شامل سه فصل است و تعداد لغات فارسی و عربی این فرهنگ هر کدام بیش از ۳۲۰۰ لغت است. مؤلف مصادر را از فرهنگهای تاج‌المصادر و کتاب‌المصادر انتخاب کرده است. در این فرهنگ لغات مربوط به حوزه جغرافیایی هرات و اطراف آن دیده می‌شود و در انتخاب کلمات و عبارات از زبان ساکنان فاضل دارالسلطنه هرات که رایج و مبرّا از مهملات و مغلطات است، استفاده کرده است.

دیباج‌الاسماء دیگر مقاله این مجموعه فرهنگی عربی به فارسی است که پیش از قرن هشتم تألیف شده است. نویسنده این فرهنگ ناشناخته است. برخی منابع مؤلف این فرهنگ را موسی ادیب فاروقی دانسته‌اند. تاریخ دقیق تألیف این اثر نیز دانسته نیست. تنها نسخه خطی آن در ۷۱۹ق کتابت شده است، اما مصحح بنابر قرینه‌هایی تألیف این اثر را در قرن هفتم یا حتی قرن ششم محتمل می‌داند. این فرهنگ شامل حدود یازده هزار مدخل عربی و معادلها و معانی فارسی آنهاست. این فرهنگ به شیوه الفبایی تنظیم و بر اساس حروف اول مدخلها باب‌بندی شده است. از مهمترین ویژگیهای زبانی این فرهنگ می‌توان به کاربرد واژه‌های متداول در ماوراءالنهر، بسامد چشمگیر واژه‌های دارای تلفظ و واجهای متفاوت و کاربرد ذال معجمه در برخی موارد اشاره کرد.

گروه دانشنامه

بهار ۱۴۰۲